



تحقیق کیفی Qualitative Researching

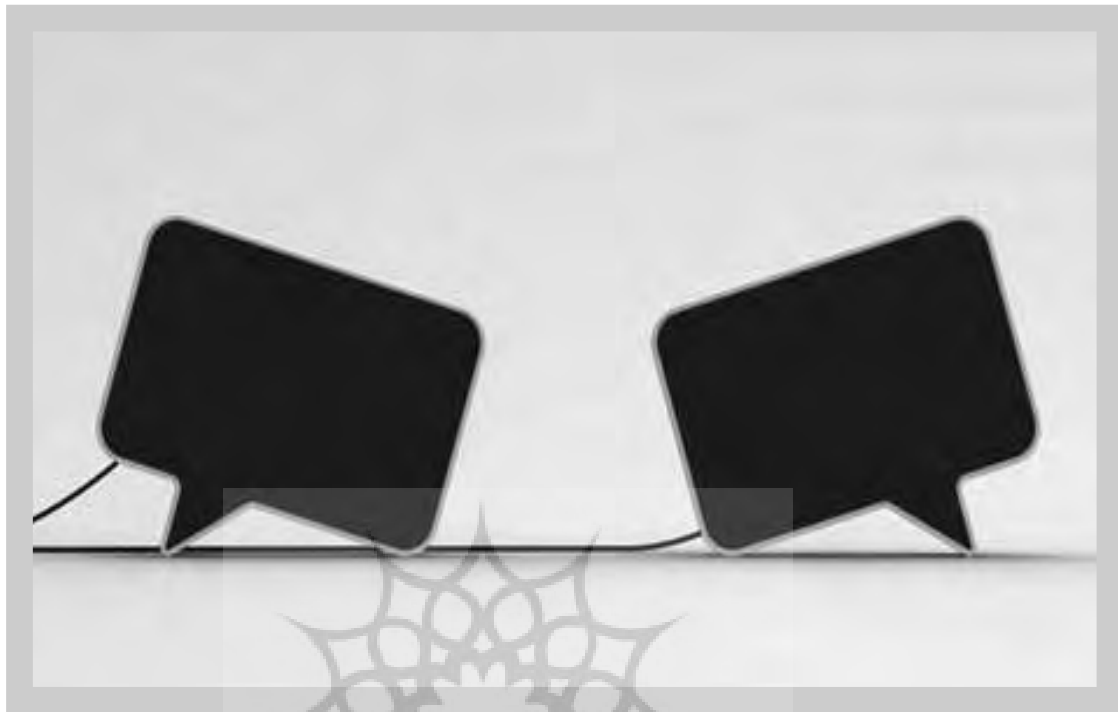
نویسنده: جنیفر میسون Jennifer Mason
محسن گودرزی

کتاب «Qualitative Researching» اثر «Jennifer Mason» می‌باشد که ویرایش دوم آن در سال ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است. این اثر ۲۲۳ صفحه‌ای توسط انتشارات SAGE در لندن منتشر شده است. این کتاب که تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، فاقد هر گونه نمودار و عکس می‌باشد و تنها در بخش‌هایی از آن مطالبی در قالب جدول آمده است.

مندرجات و مباحث کتاب:

این اثر در سه بخش و ۹ فصل تدوین شده است. در مقدمه‌ی کتاب با عنوان «چالش‌های تحقیق کیفی» با این روش تحقیقاتی و نیز برخی از مشکلات پیش روی آن آشنا می‌شویم. نویسنده در این قسمت از کتاب با اشاره به حوزه‌های کاربردی تحقیق کیفی در اجتماع، نظیر ساخت و بافت زندگی روزمره، تصورات و تجربیات، راه‌های پیشرفت اجتماعی و... به ویژگی منحصر به فرد این روش یعنی بررسی پدیده‌ها در تصویر عمومی‌شان در اجتماع می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند که «چگونگی کارکرد در زمینه‌ی خاص اجتماعی» از مهم‌ترین ویژگی‌های این روش است. وی همچنین برآنست تا به چپستی «کیفی» در این تحقیقات بپردازد و تأکید می‌کند که به علت عدم یکپارچگی تکنیکی و فلسفی در تحقیق کیفی و نیز رشد آن در بازه‌ی گسترده‌ای از منطق و سنت‌های رشته‌ای، تلاش برای پاسخگویی به این مقوله و تفاوت‌هایی که با «کمیت» در تحقیقات کمی دارد، به نتیجه‌ای نرسیده است. در جای دیگری از مقدمه می‌خوانیم که رشته‌های مختلف نظیر مردم‌شناسی، روانشناسی، جغرافیای انسانی (Human Geography) و تاریخ نگاری به سمت روش‌های کیفی نظیر تحلیل گفتمان، قوم نگاری، مطالعات موردی و... روی آورده‌اند.

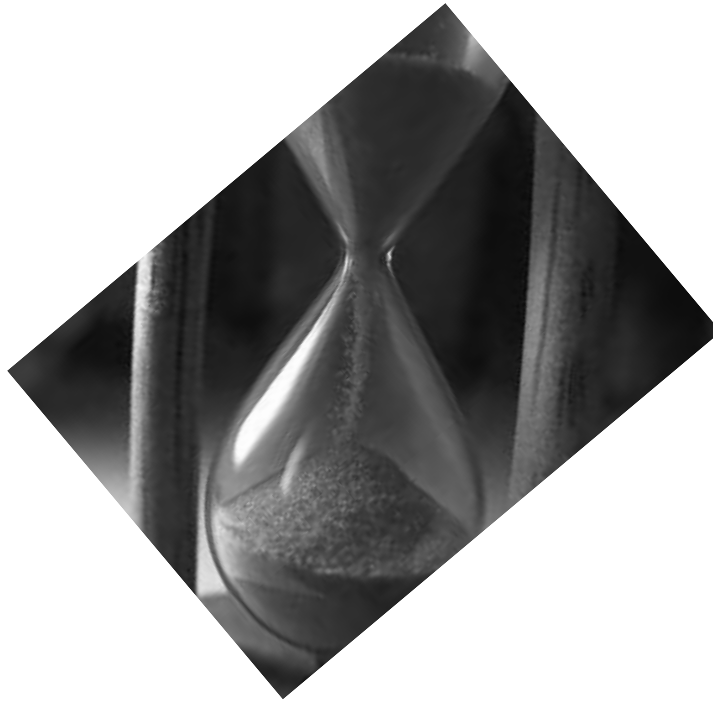
بخش اول کتاب که شامل دو فصل می‌باشد، خوانندگان را با سوالات استراتژیک درباره‌ی طراحی و سامان‌دهی تحقیقات کیفی آشنا می‌کند. فصل اول از این بخش در خصوص چگونگی شکل‌گیری



و... را بحث می‌کند. در فصل پنجم با روش «مشاهده و مشارکت» آشنا می‌شویم که همچون فصل قبلی نویسنده در قسمتی از آن به منطق این روش و در قسمت دیگر به طرح‌ریزی و اجرایی کردن آن می‌پردازد. در این فصل همچنین با این مسئله که چه مواقعی لازم است تا مشاهده‌گر خود به عنوان شرکت‌کننده نیز عمل کند، آشنا می‌شویم. مواردی چون چگونگی تبدیل اطلاعات به داده و ملاحظات اخلاقی مربوط به این روش را نیز همچون فصل قبلی داریم. و بالاخره در فصل ششم روش‌های «بصری» و «سندی» را می‌خوانیم. اگرچه نویسنده تأکید دارد که این دو روش مجزای از یکدیگر هستند، لیکن به این مسئله اذعان دارد که این دو روش به هنگام استفاده از «عکس» به هم ربط پیدا می‌کنند. نویسنده‌ی کتاب در این بخش سعی دارد تا تفکر قالبی حاکم بر روش جمع‌آوری اطلاعات از اسناد و مدارک را که تصور می‌شود صرفاً به معنای جستجو در میان اسناد مکتوب غبارگرفته‌ی کتابخانه‌ای است، تغییر دهد و خواننده را با منابع جدیدی نظیر اینترنت آشنا کند. منطق، ملاحظات اخلاقی و تبدیل اطلاعات به داده در این فصل همچون دو فصل پیشین مطرح شده است. فصل هفتم کتاب که آخرین فصل بخش دوم می‌باشد، در خصوص کار مشکل نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی بحث کرده است. یکی از اصولی که نویسنده در این فصل روی آن تأکید می‌کند، تفاوت فاحش نمونه‌گیری در این نوع از روش تحقیق با روش‌های کمی است. موضوعات مطرح شده در این فصل عبارتند از نمونه‌گیری کیفی، نمونه‌گیری استراتژیک، نمونه‌گیری

نگرش محققین و تلاش آن‌ها برای معنی «معمای منطقی» (Logic Puzzle) می‌باشد. همچنین در این فصل است که با مفاهیمی نظیر آنتولوژی و ایستمولوژی آشنا می‌شویم. نویسنده بر این اعتقاد است که آشنا شدن با این مفاهیم به درک از چیستی واقعی تحقیق کمک شایانی می‌کند و آشنایی با این مفاهیم را از اساسی‌ترین الزاماتی می‌داند که بایستی محققین در پروسه‌ی تحقیق به آن توجه کنند. فصل دوم درباره‌ی استراتژی و طراحی سخن می‌گوید. این فصل بر روی مرکزیت سؤال تحقیق در پروسه‌ی تحقیق و نیز ارتباط آن با موقعیت روش‌شناسانه و فلسفی از یک طرف و روش‌های تولید داده‌های مناسب از سوی دیگر تأکید دارد. این فصل در نهایت با برخی از موضوعات دشوار در روش‌های تلفیقی و یک سری ملاحظات اخلاقی به اتمام می‌رسد. در یک جمله می‌توان چنین گفت که این فصل در پی آنست تا خواننده را تشویق به گسترش مهارت‌های لازم برای تولید یک طرح تحقیق مناسب گرداند.

بخش دوم کتاب شامل پنج فصل می‌باشد و در آن با «تولید» داده‌های کیفی آشنا می‌شویم. فصل سوم کتاب درباره‌ی نقش روش‌های متفاوت جمع‌آوری داده می‌باشد. فصول چهارم، پنجم و ششم، سه روش جمع‌آوری اطلاعات کیفی را بررسی می‌کنند؛ در فصل چهارم با «مصاحبه کیفی» آشنا می‌شویم که نویسنده در آن منطق و دلیل مصاحبه کیفی، طرح‌ریزی و اجرایی کردن آن، چگونگی تبدیل اطلاعات به داده و ملاحظات مربوط به آن، موضوعات اخلاقی مطرح در مصاحبه عمقی



تفسیر جهان اجتماعی ناکام مانده‌اند.

آقای میسون را می‌توان نویسنده‌ای واقع‌گرا دانست که با ماهیت روش تحقیق کیفی به خوبی آشناست. از جمله شاهد‌های مثال این واقع‌گرایی اجتناب وی از اصرار بر تنها یک راه شناخته شده‌ی انجام پروسه‌ی تحقیق، تأکید بر این که تحقیق کیفی نیازمند داشتن یک نگاه کلی به عناصر مختلف می‌باشد و پرهیز دادن محققین از مواجهه تنها با یک عنصر در زمان خاص و مهم‌تر از همه این که وی اصطلاح «تولید» (Generation) را به جای «جمع‌آوری» (Collection) به کار می‌برد و در دفاع از این کار خود عنوان می‌کند: «محقق نمی‌تواند تنها یک جمع‌آورنده‌ی خنثی اطلاعات باشد و پیش‌زمینه‌های ذهنی وی در این جمع‌آوری دخیل هستند».

یکی از انتقاداتی که می‌توان به این کتاب وارد کرد، نحوه‌ی پرداختن نویسنده به مقوله‌ی اخلاق در تحقیقات می‌باشد. چرا که یکی از مهم‌ترین مشکلات تحقیق کیفی، بار اخلاقی آن است. این مسئله خصوصاً در مواقعی که رازداری مهم است، نمود بیشتری دارد. علی‌رغم آن که میسون برخلاف بسیاری از نویسندگان این حوزه، به مسئله‌ی اخلاق نیز پرداخته است، بهتر می‌بود تا در فصلی جداگانه به صورت کامل و با تمام جزئیات به مسئله‌ی اخلاق در تحقیق اجتماعی خصوصاً روش کیفی می‌پرداخت. بررسی این موضوع در قالب یک فصل کامل به برجسته شدن هر چه بیشتر مقوله‌ی اخلاق و اخلاق‌گرایی در بین خوانندگان منجر خواهد شد.

در مجموع می‌توان کتاب «تحقیق‌گرایی کیفی» اثر «جنیفر میسون» را کتابی خوب به منظور آشنایی با این روش تحقیق، اصول و ضوابط حاکم و روش‌های اجرای آن دانست. خواندن این کتاب را به همه‌ی محققین حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، خصوصاً آن‌هایی که روش‌های کمی را برای بررسی پدیده‌های پیچیده‌ی اجتماعی، روشی عقیم و ناکارآمد می‌دانند، توصیه می‌کنیم.

به عنوان یک تمرین دارای سازمان (Organic) و متشکل، کی و کجا نمونه‌گیری کردن و میزان نمونه‌گیری، مسائل علمی و اخلاقی و... و اما بخش سوم و پایانی کتاب شامل دو فصل هشت و نه می‌باشد که درباره‌ی پروسه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است. در فصل هشت با دامنه‌ای از تکنیک‌های منظم کردن، سازمان‌دهی و فهرست کردن مواد کیفی آشنا می‌شویم. نویسنده در فصل نهم با عنوان «ترتیب دادن بحث‌های متقاعدکننده با داده‌های کیفی» درباره‌ی چگونگی ساختن توضیحات یا بحث‌های تحلیلی بر پایه‌ی داده‌های کیفی سخن به میان می‌آورد. نویسنده در این فصل پیشنهاد می‌کند که بحث کردن را به عنوان یک فعالیت انتقادی و یا ارتباطی در نظر بگیریم. سرفصل‌های ارائه شده در این فصل کتاب، شامل آشنایی با انواع بحث، روش‌های بحث کردن، تصمیم‌گیری درباره‌ی این که چه تئوری و داده‌هایی متناسب بحث می‌باشد، اخلاقی بحث کردن و... می‌باشد.

جمع‌بندی کلی:

تفاوت برجسته‌ی این اثر با سایر کتاب‌های مشابه در این زمینه، عزم راسخ نویسنده در ارتقا «مهارت‌اندیشیدن و عمل کردن» محققین می‌باشد. برای این منظور نویسنده در جای جای کتاب «سوالات دشوار»ی را مطرح کرده است، سوالاتی که ممکن است هر محقق در طی انجام پروسه‌ی تحقیقاتی‌اش از خود بپرسد. چرا که آقای «میسون» معتقد است بیشتر تصمیمات کلیدی درباره‌ی تحقیق توسط خود محقق و با توجه به شرایط گرفته می‌شود. از دیگر نقاط قوت این اثر، تلاش نویسنده در پاسخگویی ضمنی و یا صریح به انتقادات وارد شده به روش تحقیق کیفی می‌باشد. برای مثال این انتقاد که تحقیقات کیفی از راه‌های غیر سیستماتیک و تصادفی انجام می‌شوند را ناشی از نفهمیدن منطق تحقیق کیفی توسط منتقدان می‌داند، چرا که معتقد است منتقدان از درک اهمیت استراتژیک محتوا و در نتیجه درک و